دهانه غلامان سیستان

اوبرتو شراتو
برکران: ع. عابدی

محوطه دهانه غلامان در سیستان ایران (شكل 1) تاثیرپذیر در بررسی های باستان شناسی توسط هیأت‌ی ایتالیایی در سال 1972 کشف گردید (شراتو، 1972). من و همکارم گرداردو نیولی پیشنهاد کردیم (شراتو، 1977، نیولی 1977) که این محوطه با "زرین" مرکز سیاسی و آدای در ابالت درنگی نه هخامنشی انطباق دارد. کشفیات این محوطه منجر به پردازنداری از ساختمان مذهبی پژوه در کاوش‌های سال 1972 گردید، که این ساختمان تنها نمونه آثار ساختمانی اجرای مراسم مذهبی در ایران باستان است. در منطقه آن در گزارش مقدماتی شاخص دو نخستین کار پژوهش آمده است (شراتو، 1976) کشف‌های مهم درباره تاریخ این باشگاه مشهور و به طور کلی درباره شهروندان و ساکنان مسکونی در سال 1975 انجام گردید. در این پژوهش‌ها دهانه غلامان می‌باشد که در واقع مرهون وضع و شرایط خاصی بوده، یعنی این کشف‌های فقط تونسی‌ها (آگاه‌های شناس) به آن در چند نشانی به صورت تک‌نمونه بوده، دهانه غلامان در سال 1972 (شراتو، 1976، C:d 1970)

* South Asian Archaeology 1977 Series Minor VI Volume 2 Naples 1979 (PP 109-736)
شکل ۱— نقشه سیستان و ایران
ما معقدیم که دست کم در طرح کلی، این شهر اساسنامه صورت پروژه‌های مستقل و تنها طراحی شده است و فکر می‌کنیم که این امر متضمن طرح سیاسی دقیق و بنیاد ایالاتی محکم و استوار است. نکته‌های خاص یافته‌ها و قابل ذکر این گروه ساختنی سیاست‌های است که روی تنش با QN1 مشخص شده‌اند که در اطراف میدانی بزرگ QN2 و QN3 مشخص شده‌اند که در اطراف میدانی بزرگ QN1 و QN2 مشخص شده‌اند که در اطراف میدانی بزرگ قرار دارند که در آن فضا و میدان، ساختنی سیستمی دیگر ساخته نشده است، فضایی که علی اثر ناپایدار مرکز اداری - سیاسی و همچنین مرکز مذهبی و شاخص هم مرکز اقتصادی بوده باشد.

به نظر می‌آید که دوره زندگی و حالات شهر نسبتاً کوتاه بوده است. آدم این گونه در می‌یابد که شهر کم‌پیش به تدریج متروک شده و این متروک شدن قطعاً به اثر حوادث و اتفاقات نظامی نیسته، بلکه به نظر می‌آید ترین اثر مدرک ماده‌ای شهر، طبق وضعیت نایابی شهر سیستم‌ناتیوجه تغییر حالت منابع و ذخایر آبی منطقه بوده است، به عنوان یک آمد دوم فصل آخر حضاری: تصویر می‌کنیم که می‌توانیم الگوهای بیش رفت و توسعه دهانه علاقه‌مند به صورت زیر پیش نماید:

- اشتغال نکردن مناطقی که می‌توانند به درد کشت و کار بخورند.

بعید نیست که در روزگاران کهن باستان، شهر مزبور در کناره شمایی دنیای سنارورد واقع شده باشد، یعنی در موقعیت استراتژیک و سوق جنگی، از نظر اقتصادی در نزدیکی منطقه دریاچه‌ای با سرزمین خشک و چراغ‌هایه در بالادست آن و همیشه در جوانب و طرفین آن، درست همانند نمونه مشهور و معروف سیستم‌که شهر سوخته باشد.

سنارورد بستر خشک رودی است از هیرمند بین رود خشک بیابان (جایی که کلیه استقرار‌ها آغاز تاریخی در آن گذیده آمده و جمع شده‌اند) و رود کوونی پریانه دهانه علاقه‌مند در میدان استقرار‌های سیستم‌محصور به فرد و بگاهه است، باسات و زمین آن نظم‌های مقدس و روشی را نشان می‌دهد که این نظم مستند به اصل شهر ک سازی استوار است (شکل 2).

شهر روي خاک بكر ساختم شده و مشخصات شهری که به خویدی خود رشد کرده‌اند، ندارد.

(مشخصات شهری رضایی‌های بدون طرح رای‌زی را ندارد،)

شکل 2- نقشه دهانه علاقه‌مند
بنیان گذازی آن، سپس دوره‌ای که برای ترقی و پیشرفت و خوش باشی، که فنوری و ضعفی به دنبال داشت، پس آنگاه یک پی بار دیگر شهر آباد گردید و راه رفته و ترقی پیمود و سپس به کلی مترو ک گردید که این مترو ک شدن و رها گردیدن زمانی رخ نمود که منطقه مسکونی رو به زوال و فروپاشی گذارد و قسمتی از آن به مهارتین و بارزترین شواهد پیرامون فعالیت‌های
انجام بافتگی مذهبی در دهانه غلامان با ساختن مقدس
نشان داده شده است، این ساختن‌ها، عمارتی است تقریباً
مربع کامل با اندازه‌ای 33/33/33/33 متر، دارای حیاطی
جهانیک و چهار رواق محصور است که رواق‌های در
چهار گوشه ساختن با فضایی مرعی شکل بسته شده و از
پکیج گسخخانه (شکل ۳) کارهای انجام شده در سال

شکل ۱- ساختن ۳: مانده‌های ناپایدار آینه دوره A

147
PROSPETTO FUOCHI
sulla parete S.E.
تأسیسات مربوط به مراسم برستش از دوره A8
این تاسیسات به ویژه در رواق‌های شرقی و شمالی
مکرراً دیده می‌شوند (شکل‌های ۱ و ۶)، اما در دیگر رواق‌ها
هم کم نیستند. این تاسیسات دارای نوعی محرک با آتش‌انداز
هستند. با به‌هم‌بینی آتش‌انداز با اجاق‌که می‌باشند,
نمايش صندوقچه کوچکی را داشته‌باشد که با خشتهایی
بام خریشت‌های را تشکیل می‌داد. این شباهت در آتش‌اندازهای
خشته‌های ۱۲۴۳-۳۲۲۲ (۱۲۲۴-۱۲۰۳ و ۱۲۳۲-۱۲۱۲)
سنی‌متر ساخته شده‌اند. مناسب به کارهای دوره B
هستند؛ این امر شامل فعالیت
محکم‌کاری و استحکام بخشی دهانه شرقی و به ویژه
ساختارهای آتی و مناسک پیچیده رواق شرقی و شمالی
که همانند هستند و همچنین کارهایی که در رواق غربی و
به همین ترتیب در قربانی گاه‌های معبد به وسط حیاط
قرار دارند، می‌شود (شکل‌های ۶ و ۸).

اثر ۲۶ و ۱۴۵۰
جفت آن مقابل دیوار غربی، مقابل جنوب، قرار داشت، در حالی که دو اجاق دیگر یکی در مقابل ضلع شرقی و دومی در مقابل ضلع غربی قرار داشت (شکل‌های ۴۵۶).

ترتیب تأسیسات مربوط به مناسک در رواق غربی در دوره A زیاد روش نبست. به هر حال آتش‌دانها به سه‌تایی ترتیب بافت و به صورت دوبل یا جفت و دو گانه جفت (دو گانه) رواق‌های شرقی و شمالی به کار رفته‌اند. در رواق شرقی ۶ جفت از این آتش‌دانها را مشاهده کرده‌ایم که در مقابل پیل‌های شرقی و غربی ۳ جرر ساخته شده بودند. جفت دیگری از این اجاق‌ها در پای دیوار شمالی قرار داشتند، در حالی که آتش دانی به تصرف در پای دیوار جنوبی قرار داشت (شکل‌های ۵و۶). در رواق شمالی ۸ جفت اجاق و وجود دارد که ۶
(پرستش گاهی) مشخص می‌شود (شکل 8). علاوه بر آن، شیب نمودار یا سکوی مستطیل شکل

وسایل برای کسب مورد برای نمونه از آنها می‌تواند بود. تاکنون گزارش شده است که با استفاده از

 calidad de cierre de la sección de áreas de interés. De esta manera, B.

دوره B

با تعمیرات بین‌نیکبی ناسازی‌های بین‌نیکبی
ساخته شده بودند.

اگاخرها از نوع اجاق‌های دوتابی‌های (دوبه) هستند:
بخش زیرین این اجاقها به شکل مکعب مستطیل هستند که
اتاق‌سوخت و حریق را با دهانه‌ای برای آتش انرژی
تشکیل می‌دهند و بر روی این اجاق‌ها محفظه‌ای با طاق
بیضی (گهواره) بوسیله یا بام آنها تشکیل می‌داد که
فقط در یک طرف کامل باز بود (شکل 11). این اجاق آتش با
محل اختراق آتش که به وسیله بندهای (نیچه) از گل رس
از محفظه بالا جدا می‌شد (شکل 12)، خود با دو تیغه اوریب
ضرب‌بری نگه داشته می‌شد (شکل 13). دو محفظه بوسیله
پک شکاف معمولاً کوته و ناجور به هم پیوند دارد.
(شکل 12).

از این شکاف شعله آتش در اتاق‌های آتشدبان به درون

محفظه طاق‌دار راه پیدا می‌کند و به طرف پرده (تیغه) گل
رسی (حاچ اتاق، محفظه طاق‌دار) بر می‌گردد. به این
طريق شعله آتش مستقیماً به جرزی که در صورت امکان
روی تیغه جداکننده گل رسم یافته داشته نمی‌رسد.

در دوره‌ای که آن را دوره B می‌خوانیم در پایی
جرزهای رادیف داخلی در رواق شمالی سکوهای مستطیل
شکل کم ارتفاعی قرار داشتند، در مرکز این سکوهای بقایای
حجه‌های نیم کره‌ای شکل که شاپد حاوی آن‌ها بوده قرار
دارد. ما توانستیم دست کم ده قطره از این سکوها را مشخص
کنیم، اما به نظر می‌آید که دوازده قطره بوده باشد.

نوری که در کنار دیوار پیرانی سمت شرقی قرار
داشت به نظر می‌آید که از همان دوره باشد.

نام‌نیاندن مربوط به پرستش در رواق غربی با آن

153

اثر 26 و 27
روی جزه‌های رده‌ای داخلی در ضلعی که به طرف حیاط است، دیواری (مجرم) وجود داشت (شکل‌های ۱۴ و ۱۸). این آتش‌دانها به نظر می‌رسند که نمونه‌هایی از اجاق‌های دو قسمتی باشد. اما کوچک‌تر از نمونه‌هایی هستند که در رواق‌های شرقی و شمالی به شرح آن پرداختیم. به این اجاق‌ها به جامانده، در دیواره‌ای هستند که شکافی در چگونگی شکل‌شان سردر بیاوریم. شکاف‌ها با اضلاع شبیه در پیوند میان محل آتش و محفظه بالایی به وسیله شکافی به طرف عقب بود و همچنین به نظر می‌رسد که دارای دهانه‌ای بوده و روزنامه‌های هم در سقف داشته است.

همین‌ها در ارتفاع دو گاس پدید است. روی تمام نقاط رواق‌های فراوانی از پس مانده‌های آتش، جاکستر و استخوان‌ها شکسته و وجود داشت. قابل یادآوری است که مقدار فراوانی از استخوان‌های شکسته با اندود لایه‌های سطحی آنها لایه‌های قطعات به طرفی شده بود، لایه‌های که نمونه‌هایی که ناکامان مشاهده شده‌اند فرق دارد و این اختلاف، هم در ترتیب و هم در نوع تاسیسات ملاحظه می‌شود (شکل‌های ۱۹ و ۲۸). این رواق از جنب حیاط به صورت باز باقی مانده است، اما راه وصول در انتهای و راهروی داخلی با ۳ مخزن بزرگ برداشته شده است که اندازه آن مخزن‌ها (انبارها) به شرح زیر است: بلندی ۱۳ متر بیش از ۹۰، متر و زیرآبی ۱۵۰ متر (شکل‌های ۱۵ و ۱۴).

این مخزن‌های ساخته‌گاه دارای یکهای بی‌بازی برای استفاده هستند مخزن جنوبی به دو قسمت ناحیه تقسیم شده است. بین این مخزن و مخزن مجاور به غربی یک چاله آتش هم در داخل مخزن آتش خوردیده بود و در کف آن مقدار قابل توجهی مانده‌های آتش به چشم می‌خورد که حاوی خاک‌سراها چرخنده بی‌نظیر می‌آمد که این خاک‌سراها با استخوان‌هایی که قطعات از ریزی شکسته شده و سوخته‌اند.
غربي دارند.

با آینه به خاطر داشته باشیم که ۲ قربانی‌گان یعنی قربانی‌گان میانی و قربانی‌گان شرقی دارای نوعی پیشه هستند که شبکه آنها با شیوه پیله قربانی‌گان غیره تفاوت دارد، به همراه می‌دانیم که در دوره A هم شیوه‌های آینی در این رواق‌های سه‌گانه، از شیوه‌های آینی دوره بعدی تفاوت بیشتری داشتند. این امر را وامی‌دار که وجود این شواهد را در دوره A تصور کنیم، همان گونه که شیوه‌های آینی قربانی‌گاه‌های سه‌گانه و سبب حیات و زندگی در این دوره A هستند.

رو اینها می‌تواند است به هم‌دیگر فرق داشته باشد، در دوره B نشان دهنده تنظیمات نباید تاسیساتی مربوط به مراسم پرستش با توجه به ملاحظات دوره A است، اما نمی‌توان که به دنبال تجدیدش بنویسیم، تجدید مدارک این اثر باشد. اساساً این موردی است که ظاهری انجام پذیرفته است. بنابراین در هر دو دوره مشاهده می‌شود که چگونه فعالیت مذهبی تحت‌الحمایه‌ای از اجلاس و آبی‌های بی‌جناهر اداره و هدایت می‌شود این دور ساختار برجهنگی نمایانگر حضور همبستگی آن توسط عنوان ابزار و یا موضوع پرستش و قربانی‌های حیوان اوستند، اختصاصات ساختاری مقدس دهه‌های جامعه درباره عبارات از واقعیت‌های است که ساختار مربوط به میان آثار معمایی مذهبی ایران که ما شناختی، منحصربه‌فرد و نیز است (شماره ۱۷۶۱ شیری ۱۳۷۱)، و این که این با کم‌ترین شاهد باستان شناختی پرستش خداوند سه‌گانه را در زمانه‌های سه‌گانه و کم‌ترین نمونه از تزئین‌کردن هندو ـ ایرانی آتش‌های سه‌گانه است.

پیش از دنبال کردن شرح و وصف شواهد باستانی شناختی دیگر در ارتباط با فعالیت‌های مذهبی در دهه‌های گذشته، مخصوصاً فعالیت‌های هیرمند و خوی و خصوصاً در رواق‌های کلاه به طرف حیات باز می‌شود، تاسیسات مربوط به مراسم پرستش و آبی‌های بی‌محدودت و چگونه از رواق‌های بی‌گیر این‌ها در شرایط ملی شبانه (شماره ۸) به اجلاس از نوع همان اجلاس‌هایی که در رواق غربی مشاهده شده‌اند در این قسمت وجود دارد و چه بی‌گیرند که در کنار جرزها قرار دارند، اما آنها می‌توانند با بازمانده‌های فضا که گونه در این اثر به دنبال نوع، کمی نرخ دارند.
می‌تواند مشخص و متمایزی دیگر که مربوط به دوره ساختار مشخص و مشابه و زمینه‌ای دیگر که مربوط به دوره

اول ساختار اندکی نادیده انجام شده است و اشاره به

واضح‌تر است که در روایت‌های شرقی و شمالي اجتماع

همیشه دوایی هستند؛ حال آنکه در روایت غربی این اجتماع

نکته درست شده‌ايد از این پیش‌آمدهای یک گونه برداشت

می‌شود که در روایت خداندان دو گونه پرسشنامه‌ی شدنی‌ها

که دویدن‌های متفاوت و مختلف یک خدا مورد توجه بود.

بلاعو در بیرون ساختار و در روایت جنبی طرح و

تشخیص نایین که شامل یک اجتماع دو گانه بعلاوه یک اجتماع

نکته است.

ادامه این وضعیت در دوره B و هم می‌توانند مشاهده

شود در روایت به خاطر می‌آوریم که روایت‌های شرقی و

شمال نظم و ترتیب همانندی از نظر ساختار مربوط به

روایت پرسشنامه‌ی دارای یک نظم و ترتیب با آنچه در روای

غربی قرار داشت رفت‌وآمد و نظم و ترتیب مشابه برای

پلی‌های قرار‌گرفته‌ها سگی و بسته حیات که کار رفت‌و

کم‌سی و شواهد پاسخ‌های شناختی به ویژه در مورد باه

بودن اجتماع‌ها دوبل در نکته بدون شک ارزش آن را دارد.

خصوصی و خانوادگی باید توجه شما را به برخی مفاهیم و

دیدگاه‌ها در QN3 جلب کنم.

نخست بایست اشاره کنم که چگونه کوره (اجاق) را

برای تاسیسات مربوط به پرسشنامه‌های برای دوره A و هم

برای دوره B به کار برده و در وضعیت این‌ها استقلال من

شیوه‌های مشتق شده‌اند که برای پخت و پز غیر مستقیم غذا

در فعالیت‌های آتشی خانگی به کار می‌رفتند.

تاسیسات روایت‌های شرقی و شمالی در دوره B

یعنی آن‌ها که به‌طور مبهم را دربارداران دارای

شیوه‌های نسبتاً پیچیده است. در این نمونه‌ها قربانی‌ها

مستقیماً به شعله‌ها سپرده و تقدیم نمی‌شنند. اینطور

می‌کیند که این‌ها محل تقویم‌های گیاهان بودند. شاید هم

پخت و پز نازدیک در این روایت مورد می‌گرفته.

در این نوع باید مجزاه‌ها برگ در روایت غربی

هم از نیزانی که برای برخی نان کار می‌رفتند، اقتصاد

و در مقام شهادت، یعنی بازی‌ها دقیق بسیاری از دیدگاه‌های خیالی در زبان اقتصاد شهدان، اگر در ریخت

فعالیت‌های خانوادگی قرار نمی‌گیرند.

هامگونه که بر امام‌گر (1041) خاطرنشان می‌کند

چاله اجتماع‌های دراز در حال حاضر به طور کلی در ایران و

منطقه خاور نزدیک معرف هستند، باید توجه کرد که این‌ها

در شرایط و موقعیت‌های خاص و استثنایی بکار گرفته

می‌شود، برای فرآیند کردند و آماده کردند علیه مقدار

فراوان جهت موارد همچون جشن عروسی و با مرسوم

سوگواری، گرد هم آمیزه‌ها، کار دستگاهی، مرسوم

نذری، زیارت و همچنین در مرسوم‌های آوری محصول و

موقعیت‌های سرگرمی، برای آماده کردند متداوم شیوه‌های

که می‌باید ذکر شده است. نمونه‌های جالب از شواهد باستانی

شناختی در پیوند با این چاله اجتماع‌ها در ارورا و وجود دارد.

امری از 27 و 28
نخست ما را بر آن داشت تا فکر کنیم که انتقال مرزبور در می‌تواند در پیوند با قربانی گاو برای میترا (مهر) باشد. ولی فعلاً آن‌جنسی مطمئن نیست که این فرضیه را انتظار بخشیم.

به‌هر حال بایستی مشابه دیگری را یادآوری کنیم، اگرچه در حال حاضر خیلی روش نیست، اشکال می‌کنیم به ارائه‌ی باریک کاخ زریبی لیم در ماری (پارو 1958) که با شماره‌های 12-18 مشخص شده‌اند، جایی که گنبد باریک در کنار یکدیگر قرار گرفته و هرکدام دارای چاله آتش (آنشدان) های بیشماری است، آن‌ها ارائه در جنوب غربی می‌تواند جایی برای پالایش و تظاهر آتش در مراحل متعدد باشد. پیش از آن که برای هدف‌های خاص قربانی بکار گرفته شود، این پرستش‌های مرکزی است، به‌هر حال می‌تواند به‌طور عضوی منحصر به‌فرد هستند.

قربانگاه‌های خانوادگی قربانگاه آتش (شکل 16) در شکل هرمی پلبه‌‌در

که توجه را به مسئله‌ی بی‌چیده جلب کنیم، مسئله‌ی که کاشف آن کلاوس شیپمن (1969) معتقد است که بازیار قربانی‌خانه باشد، و در منشاپیم که با او هم عقیده‌ی باشیم این قربانگاه‌ها بین کناره‌ی جنوبی تراس تخت‌جمشید و آرامگاه‌های داریوش سوم در دامنه‌ی کوه قرار دارند. این قربانگاه‌ها فقط کف و ساقه‌ی بجا مانده‌است. این قربانگاه‌ها به نظر می‌رسد که در جای اصلی و هم‌چنین شانزده‌ی دیگر راستا قرار دارند که دو تایان نزدیک هم و در واقع قربانگاه دوبل و دو گانه را تشکیل می‌دهند و سومی کمی فاصله‌دار. همان‌گونه که شیپمن من‌دکار شده و درست هم می‌گوید، این‌ها احتمالاً مربوط به عصر ساسانی هستند.

سرانجام باید اشاره‌ای به وضع ارائه مستطیل شکل در برج جنوب غربی بکنیم که دارای نیمکت با سکویی با 27 چاله آتش است. این وضع با نمونه‌ای که در آلاله‌ی کشف شده با ما نیست، که در مورد این نمونه وولی (1955) پیشنهادی در ارتباط با پرستش میترا داده است. این امر
شاخصان در سطحي بهينه است، در محل معروف گنجينه
در منزلها و در ميا ميشن.
هنوز به پرداخت و تعیین درست و صحیح از
саختمان نیاز اجتماعی در QN3
دست نیافته بود. در واقع
فکر می کنیم دیوار خواهد بود که بتوان این خرده پاره‌ای
باستانی و باستانی شناختی را در جای صحیح آنها تعییر و
تفسیر کرد، در بافت زندگی شان قرار دارد، در تعییر که
توسط امریکا و بینهکه که با کار گرفته شده است به هر منوال
این دوازده باعث توقف و ترمیم کار ما نخواهد بود، ما
همچنان پژوهش‌های خودمان را ادامه خواهم داد، این
مشکلات ما را از نمایندگی قرار داد نشان در گوشه‌های تاریخی
که گسخیختگی کمتری نسبت به گوشه‌های که ما با داشت
اند که من برای آثار باستانی ما پستیم، دارندند که این
الگو‌سازی‌های ما با مشکلات و اطلاعات متضاد در منابع
مدون صورت می‌گیرد.
چنین محدودیت‌های ذهنی و خصوصی موثر فرهنگی که ما بتوانیم به آن انتظار بدهیم می‌دهد تا
چیزهایی به اشکال عجیب توجه و ملاحظه قرار دهیم به هر
حال واقعیت مسلم است که معبد توسط مقامات ارشد و
رسم‌ها و اندکی مقابل این همخوانی‌های دارد. در دیگر
بعدهای این است که با حذف گنجینه از بافت ساختمان‌های
اجتماعی و گروهی بوده است.
۱۵۸

منزلی واقع در QN6 بیدا شده؛ که در گوشه جنوب شرقی
اتاق مركزي و اصلی موزه ساختمان بوده (شكل ۱۷).
دوسته قربانگاه با نبود نخب و جایی نم که رئی
آتش که با پله‌ها به پای پیوسته، به قسمت مركزي ارتباط
داشت (شكل های ۱۹ و ۱۸)؛ در اتاق کشف شد که آن اتاق
متصل به دهکده بود که در ساختمانی بزرگ در QN6
در قسمت غربی ساختمان شده بود.

QN2

این ساختمان که احتمالاً رومایی گنجینه این قسمت بوده و
تغییرات متفاوتی را متحمل شده است، در اتاقی که در حیاط
به هنگام بازسازی میهم معبد ساختمان شده بود، مکانی برای
شد که زمان آن هنوز نامشخص است. در این اتاق ۲ سکوی
قربینی در قرار دارد (شكل ۲۰)؛ یکی از اینها در سمت شرقی
واقع شده که شامل سکویی است به تعداد ۲۰ سانتیمتر که
در روی شانه (حنره) کوچک با اندود ساختمان شده
که ۳ عدد آن در جهت شمالی-جنوبی است و ۳ تای دیگر
در راستای شرقی غربی، شاید در مرحله‌ای بعد سکویی دومی
موارد سکویی اول و ساختمان شده به هر حال این دفعه چاله‌ها با
کنیدن و خالی کردن خشیک‌ها مربوطی شکل
(۱۲)-۱۵۱۵سانتیمتر) ایجاد و ساخته شده‌اند در این
چاله‌ها نشانی از آتش نبود، همچنان آنها ظاهرها متعلق به
فضای مذهبی بوده باشد، توده‌ای بزرگ از استخوان فک
گزار است که به گونه‌گون جدای از جمعه‌های بافت شده اما
مناسفانه در اتاق گنجینه جزئی عادی ما نشد.

پیکرهای کوچک حیوانات به ویژه نموهای گاو
(شتران ۱۹۷۴) و انسان که با صورتی خشن و زیبا شکل
داده شده‌اند و از آنها می‌توان به عنوان تغییرات و سیمی‌های
دیدنی و مذهبی یاد کرده این پیکرهای گو‌چرچ در جم‌جمع

اثر ۲۷ و ۱۵۹
شده باشید، چندان منعکس نمی‌کند که یکا این طبیعت گرایی است، تجربی است و یا هر چیز دیگر. هنگامی که نخستین گزارش چپ منشجر شد، من شخصاً این طور نظر می‌کردم که ON3 نشان گر اصلی و ریشه مذهبی هر یک راپایی است، با ارائه‌هایی به‌صورت و به ویژه نوع مذهبی شرق ایران نوسان و گردن صورت گرفت.

به صورت نخستین، گیمی با جریان‌های بیشتری پیشنهاد کرد که «معبد هنانه علامان» بایستی انعکاس بریستی دوره باستانی متقن و احتمالاً ستاره‌های بومی و با در نظر گرفتن سایر احتمالات باشد، چهاری ما را از اندازه مقدس زردنشش گری در یکی از صورت‌های نخستین باز نمی‌دارد.» بعداً جوزنیتن (1977) از دیدگاه خصوصی عمومی گروه‌های ساکن، این تصویر را اینکه ساخته مربوط ستاره‌های مذهبی بومی و محلی را به عنوان فعالیت‌های مناسکی و آینی که از پارسیان گرفته و وارد

اثر ۲۶۱ و ۲۷

161
عنوان عمل اتحاد و بگانگی مذهبی هخامنشیان زیر تأثیرات
بينالیه‌ی مذهبی انسان در رابطه با تقویت قدرت سلطنتی تعبیر شود.
(نیویلی 1971-1974). من موافقم که ساختمان QN3 كه يکی از

اختراعات عبودی است، نتیجه آشکار و روشن تمام

الهیت و انسانیت همگانی اساسی به مذهب،

چپ‌ی این که به عنوان تمرکز مذهبی هخامنشیان با اشکال

کهن مذهب هندو - آریایی با خصوصیت ویره‌دهی به استاد

(نیویلی 1974). به‌حار به نظر من، ساختمان مقدس، دست کم

در دوره نخست، نمایانگر نتیجه تلاش و کار هخامنشیان

نتیجه، بلکه بیشتر احتمال دارد که دامنه گسترش قلمرو

عمومی میراث بی‌پرواز باشد، که از نظر محلی متعلق به

قلمرو و به‌خصوصی بودن یکی مذهب مزداپری (نزاری)

است، به‌واسطه حکم‌ی که نیویلی داده است (1971 و 1974).

اگر ما این فرضیه را بپذیریم که ساختمان مذهبی برای عهد

حکمرانی داریوش قابل تاریخ‌گذاری باشد به آسانی نسبت

می‌کندم که نباید آن توسط داریوش گفته شده باشد،

بعنی احیاء کننده فعالیت‌های مذهبی مسئولیت و استادی

است. این قضیه اوج و کمال اشغال و تصرف سرزمینی بود

که با چشمم به نسبت به سنت‌های مذهبی بومی‌دانی‌می‌شود.

شرقی انجام گرفته.
برطق بازاسازی‌های نیولی، کاملاً قابل تصور است
که جمع خداوند سگان اهرور، پارا و آنها با
گونه‌ای موقت در خداوند سگان محلی مطرح شده بود.
کار هم تنهاست به هنگام کمال قدرت هاگمنشیان انجام
پذیرده. می‌توانیم تصور کنیم که این امر درست گست
شکل گیری دوباره ناسیون‌ها در دوره اندکی می‌باشد.
در مورد خداوند سگان صحت کردایم که دست
کم برای تاسیسات پرستشی متعلق به دوره نخست در
پرستش می‌شوند. اما به نظر نمی‌رسد که این
امر هم‌تراز و هم‌پایه سخن‌های عهد هم‌مانیان باشد.
بیشتر این‌طور به نظر می‌رسد که نیاز دارد گروه‌ی از خداوندان
موجودات الهی به‌وجود باید. اگر به خاطر داشته باشیم که
طرح و شیوه قرار‌گیری احیا (آتش‌زدن) در روایت‌های
شرقی و شمالی همیشه دوستی هستند و شیوه آنها در
نمونه‌های روان غربیتا آنها که از احیاها مستفاد
می‌گردد، تکب هستند، اما مجزه‌ها سگان می‌باشد.

اجرای این دو گونه احیای نکی را که هم در
داخل و هم در خارج روان جنوبی پیدا شده‌اند نیز نشان از یاد
نیست، به نظر من مادر ارتباط با گروه خداوندان هستیم. جه
تحریدی و چیزی که در نوشته‌های پوئنیان تخت‌حمدیه
در معبد معروف به فرد در (Fratadara) متعکس است با
در نوشته‌های پوئنیان کوم، این نوشته‌ها شامل مشخصات

REFERENCES

Bausani, A. (1965) Può l'antica religione iranica contribuire a una rico-
struzione della 'religione indoeuropea'? Studi e Materiali di Storia
delle Religioni 50: 75-92.
Bernard, P. (1976) Les traditions orientales dans l'architecture gréco-bac-
triennal. JA CCLXIV: 246-75.


Roma.


Roma.


Leiden.


